

بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>

## علوم و فنون 1

آرایه ها، زیورهای کلامی است که سخن را بدان می آریند تا زیبا و جذاب و اثربخش باشد.

آرایه های ادبی را به دو بخش تقسیم کرده اند :

الف : علم بدیع      ب : علم بیان

علم بدیع :

بدیع در واژه به معنی تازه، نو و نوآورده است و در گستره ی زبان، علمی است که از آرایه های ادبی سخن می گوید. آرایه ها زیورهایی است که سخن را بدان می آریند.

علم بدیع (آرایه های ادبی) بر دو گونه است:

الف- بدیع لفظی (آرایه های لفظی، صناعات لفظی)      ب- بدیع معنوی (آرایه های معنوی، صناعات معنوی)

الف) - بدیع لفظی:

به آن دسته از آرایه های ادبی گفته می شود که از تناسب آوایی و لفظی میان واژه ها پدید می آید.

مانند: واج آرایه، سجع، ترصیع، جناس و اشتقاق

ب) - بدیع معنوی:

به آن دسته از آرایه های ادبی گفته می شود که بر پایه ی تناسب های معنایی واژه ها شکل می گیرد.

مانند: مراعات نظیر، تناقض، عکس، تلمیح، تضمین، اغراق، حسن تعلیل، ارسال المثل، تمثیل، اسلوب معادله و ایهام.



### واج آرایه:

تکرار یک **واج** (صامت یا مصوت) در کلمه های یک مصراع یا یک بیت یا عبارت نثر، به گونه ای که کلام را آهنگین کند و آفریننده ی موسیقی درونی باشد و بر تاثیر سخن بیافزاید.

واج آرایه یا نغمه ی حروف، تکراری آگاهانه است و موجب می گردد که تاثیر موسیقی کلام و القای معنی مورد نظر شاعر بیش تر گردد.

**مانند:** سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند ( تکرار صامت چ )

**خیزید و خز** آرید که هنگام **خزان** است ( تکرار صامت های خ و ز ) از منوچهری که تداعی کننده ی صدای ریزش و خرد شدن برگ ها در فصل خزان است.

**نمونه های دیگر:**

1- **بگذار** تا بگریم چون **ابر در بهاران** / **کز سنگ** ناله **خیزد** روز وداع **یاران** ( سعدی )

2- بر او راست **خم** کرد و **چپ** کرد راست / **خروش** از **خم چرخ چاچی** **بخاست** ( فردوسی )

3- **آه** از این **چشمان عاشق کش** که می **آشوبدم** / تلخی **عشق** مرا **یک بوسه شیرین** می کند. ( چهار تنگی؛ خاموش )

**نکته:**

واج آرایه **صامت ها** از **مصوت ها** بیشتر است.

### واژه آرایه یا تکرار:

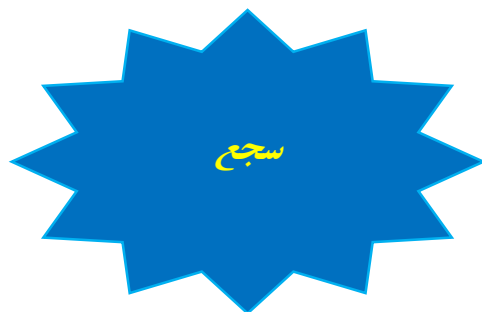
تکرار یک **واژه** در یک مصراع یا یک بیت یا عبارت نثر، به گونه ای که کلام را آهنگین کند و بر تاثیر سخن بیافزاید. **مانند:**

1- **پس هستی** من ز **هستی** اوست / تا **هستم** و **هست** دارمش دوست ( تکرار واژه هست )

2- ای **درینا**، ای **درینا**، ای **درین** / کانچنان ماهی **نهان** شد زیر **میغ** ( تکرار واژه درین )

**نکته:**

آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه ی موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.



**سجع:**

سجع به معنی **آواز کبوتر** است و در اصطلاح سخن شناسان، آوردن واژه هایی است ( **واژه های سجع** ) در آخر جمله های منثور به شکلی که دو واژه در واج های پایانی و یا وزن و یا هر دوی آن ها یکسان باشند.

**به عبارت ساده تر...**

به آهنگ برخاسته از کلمات مسجع، سجع می گویند.

به جمله هایی که دارای آرایه ی سجع باشند **مسجع** و به این عمل **تسجیع** می گویند.

**مثال:**

- 1- ای عزیز، در رعایت دل ها **کوش** و عیب کسان **می پوش** (خواجه عبدالله انصاری)
- 2- جان ما را **صفای** خود ده و دل ما را **هوای** خود ده (خواجه عبدالله انصاری)
- 3- منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب **قربت** است و به شکراندرش مزید **نعمت** (گلستان)
- 4- هرنفسی که فرو می رود **ممد حیات** است و چون برمی آید **مفرح ذات** (گلستان)

**توضیح:** در عبارات بالا، کوش و می پوش، صفا و هوا، قربت و نعمت، حیات و ذات، **واژه های سجع** به شمار می آید.

**انواع سجع:**

- **مطرف:** هرگاه کلماتی آورده شود که در **واج های آخر** یکسان باشند ولی هم وزن نباشند، این نوع سجع را «سجع مطرف» گویند.
- **متوازن:** هرگاه کلماتی آورده شود که فقط **هم وزن** باشند و در حرف آخر اختلاف داشته باشند، «سجع متوازن» نامیده می شود.
- **متوازی:** هرگاه کلماتی آورده شود که هم **هم وزن** و هم **واج پایانی** آن ها یکی باشد؛ «سجع متوازی» وجود دارد.

**نکته:**

**نکته 1:** ارزش موسیقایی **سجع متوازی** از همه بیشتر و ارزش موسیقایی **سجع متوازن** از همه کم تر است.

نکته 2: سجع هم در نثر و هم در شعر کاربرد دارد. فایده ی آن ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است.

## ترصیع و موازنه

ترصیع:

به معنی جواهر نشانیدن است و در اصطلاح ادبی، هر گاه اجزای یک بیت یا عبارت، نظیر به نظیر، در وزن و واج آخر مشترک باشند (سجع متوازی) آرایه ی ترصیع پدید می آید.

مثال 1: ای منور به تو نجوم جلال، وی مقرر به تو رسوم کمال

ای منور به تو نجوم جلال

وی مقرر به تو رسوم کمال

مثال 2: برگ بی برگی بود ما را نوال      مرگ بی مرگی بود ما را حلال

توضیح: همه ی این سجع ها با یکدیگر هم وزن و هم قافیه است.

نمونه های دیگر:

- 1- ای کریمی که بخشنده ی عطایی و ای حکیمی که پوشنده ی خطایی (خواجه عبدالله انصاری)
- 2- بدان خدای که این افلاک را بر پای داشت و این املاک را بر جای (قاضی حمیدالدین بلخی)
- 3- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده (سعدی)

موازنه

هر گاه اجزای یک بیت یا عبارت، نظیر به نظیر در وزن، مشترک ولی در واج آخر مشترک نباشد (سجع متوازن) و نیز در تقابل بعضی از کلمات، سجع متوازی دیده شود آرایه ی موازنه پدید می آید.

مثال:

جان به هوای کوی او خدمت تن نمی کند  
وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید  
ور راه وفا گیری جان در قدمت ریزم

1- دل به امید روی او همدم جان نمی شود  
2- این لطافت کز لب لعل تو من گفتم که گفت  
3- گر عزم جفا داری سر در رهت اندازم

## جناس (تجنیس)

### جناس:

جناس به کار بردن واژه هایی است که تلفظی یکسان و نزدیک به هم دارد. این آرایه بر تأثیر موسیقی و آهنگ سخن می افزاید.

### انواع جناس:

الف- جناس همسان (تام)      ب- جناس ناهمسان (ناقص)

### • جناس همسان (تام):

هرگاه واژه ای در یک بیت یا عبارت، دو بار به کار رود که از نظر تلفظ یکسان اما از نظر معنی متفاوت باشد جناس تام نام دارد.

**مثال:** بیا و برگ سفر ساز و زاد ره بر گیر / که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد (خواجهی کرمانی)  
**توضیح:** دو واژه ی زاد (توشه) و زاد (ولادت) با وجود تفاوت معنایی یکسان خوانده می شود.

### نمونه های دیگر:

- 1- خرامان بشد سوی آب روان / چنان چون شده باز یابد روان (فردوسی)
- 2- عشق شوری در نهاد ما نهاد / جان مادر بوته ی سودا نهاد (فخرالدین عراقی)
- 3- بهرام که گور گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت (نظامی)
- 4- برادر که در بند خویش است / نه برادر و نه خویش است (سعدی)
- 5- تار زلفت را جدا مشاطه گر از شانه کرد / دست آن مشاطه را باید جدا از شانه کرد (امیر خسرو دهلوی)

• جناس ناهمسان (ناقص):

هرگاه دو واژه در یکی از موارد زیر با هم اختلاف داشته باشند، یکی از انواع جناس ناقص پدید می آید.

انواع جناس ناهمسان (ناقص):

الف- جناس ناقص حرکتی      ب- جناس ناقص اختلافی یا مطرف      ج- جناس ناقص افزایشی یا زاید

▪ جناس ناقص حرکتی

هرگاه دو واژه در مصوت کوتاه (حرکت) تفاوت داشته باشند.

مانند: ملک، ملک؛ قمری، قمری؛ گرد، گرد؛ مهر، مهر

در این سرای بی کسی کسی به در نمی زند / به دشت پر ملال ما پرنده پر نمی زند

▪ جناس ناقص اختلافی یا مطرف

هنگامی که دو واژه در یک واج (حرف) تفاوت دارند.

اختلاف در حرف نخست: ناز، باز؛ رفیق، شفیق؛ چاه، جاه

اختلاف در حرف میانی: آستین، آستان؛ کمین، کمان

اختلاف در حرف پایانی: بار، باز

مثال:

1- هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آمد / ما نیز یکی باشیم از جمله قربان ها

2- این رطل گران دگر خرابم نکند / وامانده ی این کهنه شرابم نکند (بهباد چهارتنگی (( خاموش))

▪ جناس ناقص افزایشی یا زاید

هنگامی که یکی از دو واژه، یک واج (حرف) بیش تر از دیگری دارد:

در آغاز یک حرف بیش تر دارد. مانند: شما، ما؛ مرنج، رنج

در میان یک حرف بیش تر دارد. مانند: خاص، خلاص؛ دست، دوست

در پایان یک حرف بیش تر دارد. مانند: قیام، قیامت

نکته:

جناس میان دو واژه را زمانی جناس ناقص می نامیم که اختلاف آن ها بیش از یک حرف (واج) نباشد.

• اشتقاق :

به کار گرفتن واژه هایی که در **حروف اصلی** هم ریشه و هم خانواده باشند را اشتقاق می نامند.

**مانند:** عالم، معلوم؛ مفتاح، فتوح؛ دیده، دیدار؛ لطف، لطیفه

**مثال:**

1- موج زخود **رفته** ای تند خرامید و گفت هستم اگر **می روم** گر **نروم** نیستم

2- گریب بگشایم به تکلم در **عشق** صد مثل تو **معشوقه** جوابم نکند (بهراد چهارتنگی (( خاموش ))

**نکته:**

گاهی دو واژه که هم ریشه هستند، تنها در یک حرف با هم اختلاف دارند، در این حالت هم جناس دارند و هم اشتقاق اما اگر اختلاف آن ها در بیش از یک حرف باشد و با هم هم ریشه باشند، فقط اشتقاق خواهند داشت.

**مثال:** نوح تویی، روح تویی، **فاتح** و **مفتوح** تویی  
سینه ی مشروح تویی، بر در اسرار مرا

**شبه اشتقاق :**

واژه هایی که به ظاهر هم ریشه اند ولی از جهت معنی ارتباطی میان آن ها نیست. **مانند:** علم، عالم





بروزترین و برترین  
سایت کنکوری کشور

[WWW.KONKUR.INFO](http://WWW.KONKUR.INFO)

**K**onkur  
**.info**

<https://konkur.info>